



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

پشت صحنه ارتباط عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی

معاونت سیاسی
صدا و سیما

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:
– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: مرجان شریف‌زاده

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۲ مقدمه
۲ دلایل سکوت طولانی عربستان در برابر عادی سازی مناسبات امارات و رژیم صهیونیستی
۲ ارزیابی موضع اعلامی عربستان درباره تنها راه برقراری روابط با رژیم صهیونیستی
۳ موانع و محدودرات عربستان برای برقراری مناسبات رسمی با رژیم صهیونیستی
۴ انتقال احتمالی قدرت در عربستان و تحول در سیاست‌های کنونی
۴ تضاد اساسی طرح معامله قرن با تشکیل کشور مستقل فلسطینی و راه حل مقامات سعودی
۵ جمع بندی



در حالی که دولت آمریکا تلاش‌های خود را برای اجرای طرح موسوم به «معامله قرن» و برقراری سازش میان کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی دوچندان کرده، اما «ملک سلمان» پادشاه عربستان می‌گوید: «اگر کشور مستقل فلسطینی تأسیس نشود، روابط ریاض با تل‌آویو عادی نخواهد شد.»

اندکی پس از روز ۱۳ آگوست، که خبر برقراری مناسبات کامل و رسمی میان امارات متحده و رژیم صهیونیستی با میانجی‌گری آمریکا منتشر شد، رسانه‌های رژیم صهیونیستی خبر دادند: «پیشرفت قابل توجهی در تلاش‌ها برای دستیابی به موفقیت سیاسی با عربستان سعودی حاصل شده است.»^۱ اما کم‌تر از یک ماه بعد، ملک سلمان در گفتگوی تلفنی خود با رئیس‌جمهور آمریکا^۲ گفت: «عربستان به دستیابی به راهکاری برای حل دائم و عادلانه مسئله فلسطین و برقراری صلح که پایه اصلی تلاش‌های ریاض و طرح صلح عربی^۳ است، تأکید دارد.»

نزدیکی سیاست‌های عربستان سعودی و امارات متحده بر کسی پوشیده نیست و هیچ شکی وجود ندارد که مواضع منامه، قاهره و دیگر کشورهای عربی که توافق امارات با رژیم صهیونیستی را تأیید کرده‌اند، با مواضع ریاض تا چه اندازه همسان است. بنابراین، اعلام چنین موضعی از سوی ملک سلمان، آن هم بعد از سکوت طولانی مدتی که مقامات رسمی عربستان نسبت به عادی‌سازی مناسبات امارات و رژیم صهیونیستی داشتند، سؤالات و ابهاماتی را به ذهن متبادر می‌کند که برای برطرف کردن آنها، با آقای دکتر «محمد رضا مرادی» کارشناس مسائل عربستان مصاحبه پژوهشی انجام داده‌ایم که از نظر می‌گذرد:

دلایل سکوت طولانی عربستان در برابر عادی‌سازی مناسبات امارات و رژیم صهیونیستی

۱- مستحضرید که بعد از اعلام رسمی شدن مناسبات میان امارات متحده و رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی تا مدتی سکوت کرده و موضع رسمی خود را اعلام نکرده بود. به نظر شما دلیل آن سکوت طولانی چه بود؟

جایگاه عربستان با امارات در جهان اسلام بسیار متفاوت است. جایگاهی که به خاطر حرمین شریفین برای عربستان وجود دارد، سبب شده این کشور با احتیاط و حساسیت بیشتری نسبت به موضوع عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی حرکت کند؛ عربستان نسبت به هر حرکتی که تأثیری در جایگاه او در جهان اسلام داشته باشد، بسیار محتاط است و سعی می‌کند نسبت به آن، دست به عرصا حرکت کند. اساساً بخشی از قدرت نرم عربستان به واسطه همین جایگاه مذهبی است که در جهان اسلام دارد. به همین دلیل عربستان می‌کوشد به گونه‌ای بیابیه‌ها و واکنش‌هایش را تنظیم کند که هم موجب دلخوری و رنجش دونالد ترامپ - به‌عنوان بزرگ‌ترین حامی «محمد بن سلمان» نشود و هم واکنش دفعی و ناگهانی در جهان اسلام از جانب فلسطین نداشته باشد.

ارزیابی موضع اعلامی عربستان درباره تنها راه برقراری روابط با رژیم صهیونیستی

۲- در روزهای اخیر پادشاه عربستان اعلام کرده که تنها در صورت تشکیل کشور مستقل فلسطینی روابط عربستان را با رژیم صهیونیستی عادی خواهد کرد؛ این موضع سعودی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

^۱. خبرگزاری ایسنا؛ (۱۳۹۹/۶/۱۷)

^۲. یکشنبه شب مورخ ششم سپتامبر ۲۰۲۰ (برابر با ۱۳۹۹/۶/۱۶)

^۳. تشکیل کشور مستقل فلسطینی در مرزهای ۱۹۶۷ با پایتختی قدس شرقی در مقابل عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی

در این زمینه باید دو نکته را در نظر داشت: اولاً اعلام موضع «ملک سلمان» به طرح صلح عربی یا طرح صلح ریاض برمی‌گردد. در سال ۲۰۰۲ «ملک عبدالله» پادشاه سابق عربستان که در آن زمان ولیعهد «ملک فهد» بود، در نشست بیروت اعلام کرد که در صورت عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷، حل عادلانه موضوع بازگشت پناهندگان فلسطینی و تشکیل کشور مستقل فلسطینی به پایتختی قدس شریف، کشورهای عربی هم اسرائیل را به رسمیت خواهند شناخت. از همان زمان مبنای عربستان برای حل مسئله فلسطین به صورت رسمی طرح صلح عربی بوده که در سال ۲۰۰۲ ارائه شده و در مقاطع مختلف عربستان پایبندی خود را به آن اعلام کرده است. در شرایط کنونی نیز، عربستان به دلیل محذوراتی که دارد، ناچار است توافق عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی را در چارچوب یک طرح مورد پذیرش جهان عرب یا حکام عربی مطرح کند. تشکیل کشور مستقل فلسطین در چارچوب مرزهای ۱۹۶۷، طرحی است که اکثر کشورهای عربی آن را قبول کرده‌اند، هر چند گروه‌های مقاومت به شدت با آن مخالفند و طرح صلح عربی را ضامن برگرداندن حقوق فلسطینیان نمی‌دانند. در این شرایط به نظر می‌رسد ملک سلمان به‌عنوان کسی که در جهان عرب برای خود جایگاه رهبری قائل است، ناچار بوده واکنشی به عادی سازی روابط نشان دهد؛ اما این سخن جدیدی نیست و در سال‌های قبل هم مرتباً تکرار شده است. ثانیاً در شرایط کنونی ملک سلمان به دنبال فراهم کردن زمینه‌ها برای اعلام عادی کردن روابط با رژیم صهیونیستی است؛ اما ممکن است این پروسه بسیار زمان بر باشد و سعودی‌ها فعلاً در حال عبور از مرحله حساسیت‌زدایی باشند؛ چرا که به دلیل جایگاه عربستان، اعلام برقراری مناسبات با رژیم صهیونیستی می‌تواند اقدامی خطرناک باشد. اما به یاد داشته باشیم عربستان عملاً با دفاع غیرمستقیم از «معامله قرن» نشان داده که به دنبال عادی سازی روابط است. فراموش نکنیم اولین پرواز رسمی از تل‌آویو به ابوظبی با عبور از آسمان عربستان انجام شد که بزرگ‌ترین سیگنال مثبتی بود که عربستان نسبت به عادی سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی نشان داد؛ پیش از این نیز بن سلمان در مورد حق موجودیت رژیم اشغال‌گر قدس سخن گفته بود. بنابراین، عربستان در چارچوب طرح صلح عربی، عادی سازی روابط را جستجو می‌کند و اگر چه بسیار محتاطانه مطرح می‌کند، به دلیل محذوراتی است که دارد؛ اما در مجموع شدیداً به موضوع برقراری روابط با رژیم صهیونیستی اعتقاد دارد و باید منتظر بمانیم تا زمان اعلام این موضوع چگونه رقم خواهد خورد.

موانع و محذورات عربستان برای برقراری مناسبات رسمی با رژیم صهیونیستی

۳- عربستان سعودی با چه موانع و محذوراتی برای عادی سازی مناسبات خود با رژیم صهیونیستی مواجه است؟

عربستان در سطوح داخلی و جهان اسلام، برای برقراری روابط رسمی با رژیم صهیونیستی با موانع و محذوراتی مواجه است:

در سطح داخلی:

اولاً موضوع به اختلافات داخلی در هیئت حاکمه عربستان برمی‌گردد. محمد بن سلمان از وقتی که در سال ۲۰۱۵ وارد هرم قدرت شد، بگیر و ببندهای زیادی به راه انداخت و پنج پاک‌سازی بزرگ در عربستان انجام داد، که آخرین آنها برکناری «فهد بن ترکی» به‌عنوان رئیس ائتلاف سعودی در جنگ علیه یمن بود؛ او بسیار در میان نظامیان محبوب شده بود و بن سلمان از این محبوبیت نگران بود و او را برکنار کرد. قبل از آن ماجرای دستگیری ۲۰۰ شاهزاده و فعال اقتصادی اجتماعی عربستان که در هتل «ریتز کارلتون» حبس شدند، و البته از همه مهم‌تر، برکناری «محمد بن نایف» از ولیعهدی و در ادامه محصور کردن او و «احمد بن عبدالعزیز» که وارث حقیقی تاج و تخت در عربستان بود، همه این

سرکوبها و دستگیریهای بزرگ سبب شد جایگاه داخلی بن سلمان با چالشهای زیادی مواجه و مشروعیت او تضعیف شود. این شرایط سبب شده، بن سلمان فعلاً دست به اقدامی - با پیامدها و تبعات پیشبینی نشده- نزند که جایگاهش را بیش از این به خطر بیندازد؛ او سعی دارد تا زمان انتقال قدرت در عربستان، بسیار محتاطانه در این مورد عمل کند.

ثانیاً قدرت و جایگاه محمد بن سلمان در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار ضعیف شده است. او در ابتدای روی کار آمدن، با طرح سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ و با اقداماتی که علیه پلیس مذهبی و وهابی‌ها انجام داد، نه تنها در داخل عربستان و منطقه، بلکه در سطح جهانی به‌عنوان رهبری نواندیش که به دنبال حاکم کردن سکولاریسم در عربستان است، معرفی شد. اما چند عامل سبب شد جایگاه او به سرعت تغییر کند؛ یکی جنگ یمن و کشتاری که در این کشور به راه افتاد، کودکان و غیرنظامیان بسیاری که کشته شدند و استفاده از بمب‌ها و تسلیحات ممنوعه، نگاه جهانی نسبت به بن سلمان را تغییر داد. اما ضربه نهایی را ماجرای قتل «جمال خاشقچی» به جایگاه بن سلمان زد؛ جمال خاشقچی به‌عنوان کسی که شهروندی آمریکا را داشت و در روزنامه واشنگتن پست مطلب می‌نوشت، در کنسولگری عربستان در استانبول سلاخی شد و محمد بن سلمان به‌عنوان عامل اصلی این قتل در رسانه‌های جهان معرفی شد؛ متعاقباً حملات بسیار تندی علیه او در سراسر جهان شکل گرفت که اگر حمایت‌های ترامپ از بن سلمان نبود، تبعات بسیار سنگین‌تری برایش به همراه داشت. مجموعه این مسائل سبب شد مشروعیت بن سلمان در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تضعیف شود. بنابراین محمد بن سلمان نمی‌تواند همانند «محمد بن زاید»، بی‌محابا و با قدرت اقدام به برقراری روابط با رژیم صهیونیستی کند، به هر حال بن زاید امتیازهای منفی بن سلمان را ندارد.

در سطح منطقه و جهان اسلام:

هراس عربستان از واکنش‌ها در جهان اسلام به سبب جایگاه دینی این کشور، باعث شده مقامات عربستان فعلاً سعی کنند بیشتر نظاره‌گر ماجرا باشند؛ هر چند که می‌دانیم عربستان حامی توافق عادی سازی روابط است. عربستان به دلیل محذوراتی که در عرصه داخلی و منطقه‌ای دارد، خودش مستقیماً با رژیم صهیونیستی وارد توافق عادی سازی نشده و سعی می‌کند در انتهای لیست عادی کنندگان مناسبات با این رژیم باشد و واکنش‌های کنترل شده‌ای نسبت به توافق عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی نشان دهد.

انتقال احتمالی قدرت در عربستان و تحول در سیاست‌های کنونی

۴- موضع اعلامی و رسمی عربستان در زمینه رابطه با رژیم صهیونیستی، در صورت تغییر پادشاه و رسیدن ولیعهد کنونی به پادشاهی چه تغییری خواهد کرد؟

پادشاه کنونی عربستان عملاً محمد است و ملک سلمان نقش چندانی در سیاست‌های عربستان ندارد؛ بنابراین با تغییر پادشاه نمی‌توان شاهد چرخش اساسی در سیاست‌های عربستان بود. از سال ۲۰۱۵ اساساً سیاست‌های عربستان از مجرای محمد بن سلمان رقم خورده‌اند. با آغاز سلطنت محمد بن سلمان، تنها سرعت تحولات می‌تواند تغییر کند. در شرایط کنونی که محمد بن سلمان ولیعهد است، تصمیمات قدری با تأخیر انجام می‌شوند، اما زمانی که او پادشاه شود طبیعتاً سرعت تحولات افزایش زیادی پیدا خواهند کرد.

تضاد اساسی طرح معامله قرن با تشکیل کشور مستقل فلسطینی و راه حل مقامات سعودی

۵- با شناختی که از ماهیت و رویکردهای رژیم صهیونیستی داریم و همچنین با توجه به حمایت تمام قدرت‌های آمریکا به خصوص دولت ترامپ از این رژیم، به نظر می‌رسد آنها در هر شرایطی مصمم به اجرای پروژه معامله قرن

هستند و بنا به ملاحظاتی، جدول زمانی عملیاتی کردن فازهای مختلف آن را، تغییر می‌دهند؛ که البته صراحتاً به این موضوع اذعان هم کرده‌اند. ایده تشکیل کشور مستقل فلسطینی نیز، تضاد اساسی با طرح معامله قرن ترامپ دارد؛ عربستان چگونه این اضداد را جمع خواهد کرد؟

اساساً روح حاکم بر معامله قرن که از سوی ترامپ مطرح شد، عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با جهان عرب است. مفاد تمام توافقاتی که تاکنون در قالب طرح‌های صلح مطرح شده، همه در داخل فلسطین روی می‌دهند؛ اما روح حاکم بر معامله قرن، عادی‌سازی روابط با جهان عرب است. اینکه عربستان چطور خواهد توانست میان تشکیل کشور مستقل فلسطین و معامله قرن هماهنگی به وجود آورد و این تضاد را حل کند، دقیقاً همان‌گونه که امارات این تضاد را حل کرد، عربستان نیز عمل و سالیانی هم در این مسیر حرکت خواهد کرد. بن سلمان به خوبی می‌داند که عامل رسیدن او به تخت پادشاهی دونالد ترامپ و «جارد کوشنر» داماد او بود، به همین دلیل از چند سال پیش خودش را ملزم دانسته که در راستای سیاست‌های ترامپ و کوشنر حرکت کند. بن سلمان بارها از رژیم صهیونیستی حمایت کرده و تعهد خود را به این توافق نشان داده است. همین الان هم احتمال دارد بن سلمان برای پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، یک حرکت عجیب یا حمایت فوق‌العاده‌ای از او کند؛ چرا که وارث حقیقی تاج و تخت در عربستان در درجه اول «احمد بن عبدالعزیز» برادر پادشاه بوده است و از سوی دیگر «محمد بن نایف» ولیعهد اصلی است و تنها با کمک‌های ترامپ، بن سلمان توانست به ولیعهدی برسد.

بر این اساس، برای بن سلمان ایجاد هماهنگی بین پذیرش طرح معامله قرن و تشکیل کشور مستقل فلسطینی، چندان دشوار نخواهد بود و قطعاً و حتماً از تشکیل کشور مستقل فلسطینی در چارچوب مرزهای ۱۹۶۷ هم عبور خواهد کرد. بن سلمان تقریباً به این نتیجه رسیده که عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را باید اعلام کند اما به دلیل واکنش‌های منفی، زمان عادی شدن هنوز مشخص نشده است.

جمع‌بندی

واقعیت این است که عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی، احتمالاً در آینده‌ای نه چندان دور اتفاق خواهد افتاد. اما این موضوع پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. بن سلمان به دلیل سرکوب‌های داخلی و دستگیری‌های گسترده وضعیت شکننده‌ای برای انتقال قدرت و رسیدن به پادشاهی دارد و نمی‌خواهد پیش از رسیدن به پادشاهی، دست به این قمار خطرناک بزند. این را هم باید در نظر داشت که چه بسا ترامپ، شرط پادشاهی بن سلمان را عادی‌سازی روابط عربستان با رژیم صهیونیستی قرار دهد اما شرایط بسیار پیچیده‌تر است.

توافق امارات با رژیم صهیونیستی تا حد زیادی حاکمیت اشغال‌گران بر اماکن مقدس اسلامی در فلسطین را تأیید می‌کند. این موضوع کار را برای عربستان بسیار پیچیده و دشوار کرده است. پذیرش حاکمیت رژیم صهیونیستی بر بیت‌المقدس، داعیه پادشاهی سعودی را به‌عنوان خادم حرمین شریفین و مدافع مسلمانان زیر سؤال می‌برد؛ حداقل در ظاهر که این یک چالش بسیار مهم است.

از سوی دیگر بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند محمد بن سلمان معمار عادی‌سازی روابط جهان عرب با رژیم صهیونیستی بوده و حتی پشت پرده عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با امارات را هم، عربستان و بن سلمان می‌دانند. اما فعلاً عربستان ترجیح داده که در انتهای این لیست قرار بگیرد. ما اقدامات آشکار و نهان عربستان در زمینه برقراری یا تأیید روابط با رژیم صهیونیستی را به یاد داریم؛ در ماه مبارک رمضان، اقدام شبکه «MBC» عربستان را دیدیم که سریال‌هایی

با محوریت عادی سازی روابط با رژیم اشغال‌گر قدس را پخش می‌کرد؛ سفر خبرنگارهای رژیم صهیونیستی به عربستان، دیدارهای مخفیانه‌ای که بین مقامات عربستان و رژیم صهیونیستی صورت گرفته و ... همه اینها نشان می‌دهد که سال‌هاست روند این توافق شروع شده، اما به دلیل جایگاه عربستان و پیچیدگی‌های که این موضوع برای عربستان دارد، این مسئله هنوز اتفاق نیفتاده است.

از سوی دیگر بسیاری از رسانه‌ها تأکید کرده‌اند که بحرین دومین کشوری خواهد بود که در برهه کنونی با رژیم صهیونیستی وارد فرآیند عادی سازی روابط خواهد شد، که این موضوع هم اتفاق افتاد. باید به یاد داشته باشیم بحرین همیشه مواضع سیاسی خود را تابعی از سیاست‌های عربستان می‌داند؛ در شرایط کنونی هم رئیس موساد با مقامات بحرینی ارتباطات زیادی داشته و همین خودش یک کلید است که نشان می‌دهد بحرین هم با چراغ سبز و حمایت‌های بن سلمان به سمت عادی سازی روابط رفته است؛ اما قطعاً محمد بن سلمان و حکام عربستان به آن اعتقاد دارند، ولی به دلیل محذوریت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، بسیار محتاطانه در این مسیر حرکت می‌کنند.

